



ردیف عالی استاد علی اکبر خان شهنازی

تقریر: علی اکبر شهنازی | تحریر: فرهاد ارزنگی



مركز موسيقى

استاد علی اکبر خان شهنی

* تفهیم علی اکبر مجازی | تحریر: فرهاد ارژنگی | مقابله و بازنگری: ارشد تهماسبی *

چاپ، صرفی و بیوگرافی: واژه پرداز اندیشه-چاپ اندیشه

چاپ اول: ۱۹۴۶ شماریگان: ۲۵۰۰ نسخه

شایم: ۹۷۹-۰-۸۰۲۶۱۹-۰۵

(قیمت فقط، اہولوگ، صحیح است.)

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی مدیر نشر است.

۲۳- نشانی: تهرآن، خیابان حافظ، خیابان رشت

صندوق پستی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴ تلفن: ۱۹۴۲ سامانه پیام: ۳۰۰۵۳۱۰

تلفظ مرکز بخش: (بخش خط) ۶۶۴۶۰۹۳۳ فکس: ۶۶۴۶۹۹۵۱

www.sooremehr.ir



سرشناسه:

ارژنگی، فرهاد، ۷۱۳۱-۰۴۳۱.

ان و نام پدید آور: ردیف عالی استاد علی اکبر خان
ردیف، تریب فرهاد ارژنگی: تقریر علی اکبر شهنازی؛ مقابله و
لا بگری ارشد تهماسبی.

مشتقات: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۹۳۱.

مختصا: غلاری: ۸۹ ص: پارتیسیون.

شماره: ۸۰۲۶۱۹-۰۰۰۰-۹۷۹.

وضعیت: رسالت نویسی: قیفا

موضوع: موسیقی: -- گاه ها -- ردیف -- پارتیسیون

موضوع: موسیقی: ادب: -- نگاه ها -- ردیف

موضوع: موسیقی: -- پارتیسیون

شناسه افزوده: شهنازی، علی اکبر، ۷۲۱-۳۳۳۱.

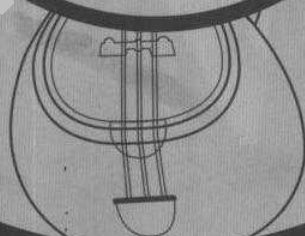
شناسه افزوده: طهماسبی، ارشد، ۶۳۳-

شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۳۴-

رده بندی کنگره: ۴۴۳LM/لقمه ۱۳۳۴-

رده بندی دیویی: ۳۶۱/۹۸۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۴۲۱۹۰۳



گفتاری دربارهٔ این یادگاران ..

ارشد تهماسبی

پیش از این، دربارهٔ فرهاد ارژنگی، خیلی نمی‌دانستم. از زندگی کوتاه و سرانجام غم‌انگیزش، همین قدر باخبر بودم که دیگران بودند؛ کمی از روایت‌های شفاهی و کمی هم از اخبار پراکنده‌ای که دربارهٔ او منتشر شده بود. دربارهٔ کارش اما، یک بار از علی‌اکبر شهنازی، که در آخرین سال‌های زندگی‌اش دیده بودمش، می‌دم که ارژنگی را مستعدترین و بهترین شاگرد خود خطاب می‌کرد. در آن روز شهنازی با چشمی اشک‌آلود و با حسرت تمام، از او چنین فزندش یاد کرد. این را همه می‌دانند که هیچ‌گاه شهنازی در یادآوری شاگردانش، ارژنگی را، با آن‌که سال‌ها از مرگش گذشته بود، فراموش نکرد.

دی‌ماه امسال (۱۳۹۰) علیرضا میرعلی‌نقی، تلفنی اطلاع داد که خواهر کوچک فرهاد، خانم هما ارژنگی، قصد دارد بعد از پنجاه سال، یادداشت‌های بازمانده از برادر را، که نت‌های مربوط به ردیف است، منتشر کند. میرعلی‌نقی از من خواست که نت‌ها را ببینم و اگر نظری در این باره دارم و کمکی از دستم برآید، دریغ نکنم. با آن‌که خیلی گرفتار بودم، به پاس احترام به این هنرمند عزیز، که همیشه دلسوز سرگذشت موسیقی و اهلش بوده است، خواسته‌اش را اجابت کردم. چند روز بعد، هر سه نفر جمع شدیم و در این باره به گفت‌وگو نشستیم.

از آن جهت که آقای میرعلی‌نقی سرگذشت فرهاد را با قلم توانای خود و با ظرافت طبیعی که در این گونه نوشته‌پردازی‌ها دارد، روایت خواهد کرد، نیازی نمی‌بینم وارد این مبحث شوم و فقط به اصل موضوع می‌پردازم. قبل از آن، گفتن این مطلب را ضروری می‌دانم که اگر پیش از دیدار سه نفره‌مان احساس می‌کردم با کمی صرف وقت در این کار به زنده‌یاد ارژنگی و دوست عزیزم، میرعلی‌نقی، ادای دینی می‌کنم، بعد از ملاقات با خانم هما ارژنگی، شاعرهٔ هنرمند، انگیزه‌ام برای این کار دوچندان شد. شوقی که این بانوی محترم برای زنده کردن نام برادرش، پنجاه سال بعد از مرگ او داشت، هر کسی را به یاری او برمی‌انگیخت.

از فرهاد ارژنگی دو دفتر، حدود ۱۵۰ ورق بزرگ، باقی مانده است، که به ۵۲ یا ۵۳ سال قبل مربوط است. او در این دفاتر، با خطی خوش و خوانا، ردیف‌های علی‌اکبر شهنازی را نت‌نگاری کرده است. اولی ردیف «میرزا حسین قلی» است، که علی‌اکبر

شهنازی راوی آن بود، و دومی ردیف «دوره عالی» است، که ساخته و پرداخته خود شهنازی بوده است.

دقت و صحت کار ارزشی، در نگارش ردیف‌هایی که در کلاس شهنازی مشق کرده بود، حیرت‌انگیز است. به خصوص این که او بی هیچ دسترسی به منابع صوتی، این کار را انجام داده و فقط به محفوظات و دانسته‌های خود تکیه کرده است؛ زیرا شهنازی بعد از مرگ فرهاد، حدود سال‌های ۱۳۴۱ به بعد بود، که ردیف‌هایش را ضبط کرد. مطلب دیگری که بر ارزش کار ارزشی می‌افزاید، این است که او از تجربه فراروی ما، که حاصل انتشار ردیف‌های مختلف و آگاهی از چگونگی شیوه‌های نگارش نویسندگان متعدد در امر نت‌نگاری ردیف است، بهره‌مند نبوده؛ زیرا در روزگار وی فقط ردیف‌های «ابوالحسن صبا» منتشر شده بود.

ارزش دیگر کار فرهاد در این است که سن او در زمان نگارش ردیف‌ها حداکثر بیست سال یا کمتر از آن بوده است؛ زیرا قراین نشان می‌دهند که یکی دو سال آخر عمر کوتاه ۲۲ ساله‌اش بیشتر به آهنگسازی و تدریس در هنرستان موسیقی، اجرا، و سفرهای کاری گذشته است.

مطالب و متن‌های گوشه‌ها در روایت ارزشی بی‌عیب و نقص‌اند؛ فقط در عنوان‌گذاری گوشه‌ها و قسمت‌های فرعی کمی مسامحه کرده است. شاید همه حدس داشته باشند که هنگام بازیابی آخر و در مشورت با استاد عنوان‌های فرعی را ثبت کند، تا خطایی نکرده باشد. خط خوردگی او یا داشت‌های قسمت راست پنجگاه ردیف «میرزا حسین قلی»، جای خالی آواز بیات ترک ردیف «دوره عالی»، و ناقص بودن آواز اول و ملای آن نشان می‌دهند که کار او هنوز تمام نشده بود.

با وجود نمونه‌های دیگری از این ردیف‌ها - که در سال‌های اخیر زنده‌یادان: حبیب‌الله صالحی (نگارنده ردیف دوره عالی) و رضا وهدانی (نگارنده ردیف میرزا حسین قلی)، و هنرمند عزیز داریوش پیرنیاکان (نگارنده ردیف میرزا حسین قلی) نت‌نگاری و منتشر کرده‌اند - بهتر است در این به که بنا را بر مقابله روایت ارزشی با نوشته‌های این هنرمندان بگذارم. هراس از کار سخت و طاقت‌فرسایی که معرله در سر و سامان دادن، بازیابی، و شرح تفاوت‌های این گونه مقابله کردن‌ها پیش رو قرار می‌گیرد، نمی‌گذاشت دست به کار شوم. با شروع کار دریافتم که ترسی بی‌دلیل داشتم؛ زیرا هر سطر از او را این ۱۵۰ صفحه نشانگر این بودند که نویسندگان هنرمندی دقیق و منظم و امانت‌دار، و خوش‌خط و حافظه بوده است. به این سبب، کار خیلی سریع‌تر از آنچه فکر می‌کردم پیش رفت.

برای مقابله ردیف «میرزا حسین قلی»، روایت رضا وهدانی را انتخاب کردم؛ زیرا در هم‌دوره فرهاد و گویا دوست و هم‌کلاسی او بوده، و در همان سال‌ها از شهنازی درس می‌گرفته است. این انتخاب سبب شد مطمئن شوم، مطالبی که شهنازی به این دو آموزش داده است، خیلی نمی‌توانسته متفاوت بوده باشد. بعد از مقابله، هر دو نسخه را با اندک اختلاف و جزیی کاملاً برابر یافتیم.

- در گستره حدود ۳۰۰ تا ۳۵۰ قسمت، که در روایت وهدانی وجود دارد، فقط چند قسمت در روایت ارزشی دیده نمی‌شود. در مقابل، یکی دو قسمت هم در ارزشی وجود دارد که در روایت وهدانی نیامده است. چنین اختلاف‌هایی می‌توانند به کلاس و درس شهنازی مربوط باشند. در شیوه آموزش سینه به سینه و شفاهی ردیف، بروز این نوع خطاها، جابه‌جایی‌ها از جانب استاد، و از قلم افتادن بعضی گوشه‌ها بدیهی و طبیعی است.

- در یکی دو قسمت عنوان‌های ارزشی با وهدانی اختلاف دارند، که می‌تواند به اشتباه یا نقصان حافظه هر دو راوی یا خطای شهنازی در گفتار و هنگام تدریس مربوط باشد (مثلاً در نام گوشه‌های حاجیانی و بیدگلی).

- در عنوان‌گذاری بعضی گوشه‌ها، ارزشی لهجه و لحن دیگری از نام‌ها را به کار برده است؛ مثلاً به جای «محریر»، «مخبر» نوشته است. این مورد را هم باید به شهنازی مرتبط دانست. زیرا مثلاً فهرستی از نام گوشه‌های ردیف را با دست‌خط خود شهنازی دارم، که در آن «مخبر» هم دیده می‌شود.

- غیر از این‌ها، چیدمان و ترتیب گوشه‌ها و متن مطالبشان دقیقاً همانند روایت رضا وهدانی هستند.
- ارژنگی عنوان بیشتر گوشه‌ها را به فارسی، و اسم بعضی را با حروف لاتین نوشته است. حروف B در نوشته‌های او اختصاری است برای واژه «بیشتر»؛ به این معنا که عین پنجه قبلی از یک نت بالاتر نواخته شود. برعکس، حرف K اختصاری است برای واژه «کمتر».

- برای آسان کردن کار مراجعه‌کنندگان به روایت ارژنگی، ترجیح دادم همه عنوان‌های روایت وهدانی را، صرف نظر از درستی یا نادرستی آن‌ها یا وارد شده به این بحث که این گوشه‌ها در ردیف استادان دیگر چه نامی دارند، در نت‌های ارژنگی و در جای خودشان درج کنم، تا متن مورد نظر هر فرد در اولین نگاه پیدا شود.

- درباره ردیف دوره عالی هم به همین روش عمل کردم. پس از مقابله متن نت‌های ارژنگی با نت‌های حبیب‌الله صالحی، عنوان‌های فرعی را از روایت صالحی گرفتم و به روایت ارژنگی افزودم.

بهتر دیدیم دست‌نوشته‌های فرهاد به همان صورت اصلی و بدون نت‌نویسی دوباره منتشر شوند، تا خط فرهاد و جنبه یادگار بودنش محفوظ بماند. پیدایش و انتشار این نسخه جدید از دو ردیف مهم و معتبر موسیقی جدای از سودمندی‌اش برای تحقیق و آموزش روایت‌گر خاطره‌ای تلخ و شیرین از تاریخ موسیقی ایران است. تلخی «نبود» ارژنگی‌ها و همه خوبان دیگر را گذران، کم‌رنگ می‌کند. اما، خاطره‌ها و آثار تا ابد می‌مانند و کام دوست را شیرین می‌کنند. این کتاب، شیرین فرهاد است به دوستان موسیقی و داستان‌گویایی است از سخت‌کوشی فرهاد و پاسداری‌اش از آنچه به آن عشق و ورزید. گوی این است که هنرمند نوزده بیست‌ساله دهه ۱۳۴۰ خلوت‌های عاشقانه‌اش را چگونه سپری می‌کرده است. استعدادها و توانمندی‌هایی که فرهاد در عمر کوتاهش از خود بروز داد، نامش را برای اهل موسیقی آن روزگار اشتهار کرد. ی‌شک اگر زنده می‌ماند، اکنون «پایور تار» بود. یاد هر دو به خیر و خوبی، و درود بر همه خوبان.